

دهه فجر ۱۴۰۰
انقلاب
سیاسی

دستاوردهای انقلاب

جمشید جم، خواننده و آهنگساز ترانه خاطره‌انگیز «یار دبستانی من»:

«یار دبستانی من» را به شهدای سرزمین تقدیم کردم

■ **سیدمرتضی ذاکر**

خواننده ترانه معروف «یار دبستانی من» یا بیان اینکه این آهنگ به تمام شهیدان سرزمین ایران تقدیم شد، می‌گوید: «یار دبستانی من» در سال ۱۳۵۹ جزو اولین آهنگ‌هایی بود که مجوز گرفت و پخش شد. من هیچ‌گاه فکر نمی‌کردم اینقدر مورد استقبال قرار بگیرد و برای مردم نوستالژی شود. به گزارش «جوان» جمشید جم، خواننده ترانه معروف انقلابی «یار دبستانی من» در شبکه جهانی جام‌جم پیرامون فرآیند شکل‌گیری ایده و چگونگی ساخت این آهنگ می‌گوید:در ۲۱ بهمن سال ۱۳۵۷ زمانی که امام خمینی(ره)فرمودند حکومت نظامی لئو شده‌است، با وجودی که من تیر خورده بودم، اما با شرکت مردم حضور پیدا کردم و رادیو و تلویزیون را گرفتیم و بعد از آن به رادیو رفتیم و در میدان ارگ پنهان شدیم. خواننده «یار دبستانی من» در ادامه می‌افزاید: به دلیل وجود دو تانک در میدان ارگ، درگیری زیادی شکل گرفت اما در این زمان به نظامیان گفتیم که این گروه مردمی است باید رادیو را تحویل دهید و خدا را شکر توانستیم رادیو را تحویل بگیریم. من به دلیل علاقه زیادی که به رادیو داشتیم، در آنجا ماندگار شدم. بعد از اینکه رادیو را گرفتیم، بسیاری از اشکالات موسیقی‌های انقلابی را تصحیح و تنظیم می‌کردیم، چون این آهنگ‌ها در زیر زمین ضبط می‌شدند و کیفیت بالایی نداشتند.

جم در ادامه اظهار می‌دارد: خانم منصوره تهرانی به من گفت من یک فیلم دارم که می‌خواهم تو خواننده آن فیلم شوی و من هم قبول کردم. شعر «یار دبستانی من» از منصوره تهرانی و تنظیم آن را من و تعداد دیگری از دوستان انجام دادیم و این آهنگ به تمام شهیدان کوچک و بزرگ سرزمین ایران تقدیم شد. این آهنگ در سال ۱۳۵۹ جزو اولین آهنگ‌هایی بود که مجوز گرفت و پخش شد و من هیچ‌گاه فکر نمی‌کردم اینقدر مورد استقبال قرار بگیرد. وقتی مردم توجه زیادی به این آهنگ نشان دادند، حسن خیلی خوبی پیدا کردم، گاهی می‌خواستم به افرادی که این آهنگ را گوش می‌دهند، بگویم این آهنگ را من خواندم، اما از کنارشان رد می‌شدم و لیخند رضایت می‌ردم.

این آهنگساز انقلابی ضمن اشاره به اینکه بعد از گذشت سال‌ها هر بار که آهنگ «یار دبستانی من» را می‌خوانم، حس خوبی پیدا می‌کنم، خاطر نشان می‌کند: این آهنگ نوستالژی شده‌است و هر بار که خوانده می‌شود، صدای مردم نیز پخش آن شنیده می‌شود. هر چند بعد از جنگ، آهنگ‌ها نسبت به قبل کیفیت بیشتری پیدا کردند، اما به این دلیل که قبل از آن آهنگ‌ها در خفا ساخته می‌شد، کیفیت‌شان زیاد خوب نبود و باید دوباره تنظیم می‌شدند.

■ **دیده‌بان**

آغاز پیش‌فروش بلیت‌های جشنواره تئاتر فجر
پیش‌فروش بلیت‌های جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از ظهر امروز آغاز می‌شود، جسد اول تمامی اجراهای جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر هم منتشر شده و روی سایت این جشنواره قرار گرفته‌است. به گزارش «جوان» به نقل از ستاد خبری جشنواره، ظرفیت سالن‌های نمایشی به دلیل محدودیت‌های کروایی تنها ۲۰۰درصد خواهد بود و علاقه‌مندان به تهیه بلیت با مراجعه به سایت تیوال می‌توانند با توجه به این سهمیه، بلیت خود را خریداری کنند. سالن‌های کوچک با محدودیت زیاد فروش بلیت مواجه هستند و تعداد کمی از بلیت‌های این سالن‌ها با توجه به محدودیت ۲۰۰درصدی ناشی از همه‌گیری سوبه جدید کرونا به فروش می‌رسد. یک روز پیش از باز شدن سامانه فروش بلیت‌ها، جدول تمامی اجراهای جشنواره منتشر شده‌است و افرادی که تمایل به خرید بلیت دارند، می‌توانند با توجه به ساعت و محل اجرای نمایش پس از باز شدن سامانه فروش، بلیت‌های خود را تهیه کنند. چهلمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر از ۱۴ تا ۲۶ بهمن به دبیری حسین مسافراستانه بر گرام می‌شود.

■ **درچه**

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول:محمدجواد اخوان
سر دبیر: غلامرضا صدقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸.نمابر: ۰۶-۸۸۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۴۱۶ | پنج‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۰ | اول رجب ۱۴۴۳ | اذان ظهر: ۱۲:۱۸ | غروب آفتاب: ۱۷:۲۴ | اذان مغرب: ۱۷:۵۲ | نیمه شب مشرقی: ۲۲:۲۵ | اذان صبح فردا: ۵:۲۷ | طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۰

■ **حکمت**

امام حسین(ع):
ببرهیز از اینکه بر کسی که جز خداوند در برابر تو یاورى ندارد، ستم کنی.

(گزیده تحفالعقول)

■ **گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده تقدیر شده جایزه جلال**

«زنان الگو» دغدغه من هستند



■ **محمدصادق عابدینی**

در مراسم اختتامیه چهاردهمین جایزه جلال، داوران کتاب «ساعت دنگی» را در بخش داستان کوتاه شایسته تقدیر معرفی کردند. «ساعت دنگی» نوشته محمداسماعیل حاجی‌علیان، مجموعه‌ای از ۹ داستان کوتاه است که به زن و دنیای زنانه می‌پردازد. این کتاب از سوی انتشارات سوره مهر به چاپ رسیده‌است. ساعت دنگی همچنین در شیب اختتامیه جایزه جلال جایزه ویژه بخش جنبی(ویزایش کتاب) را از آن خود کرد. حاجی‌علیان در گفت‌وگو با «جوان» درباره داستان‌های ساعت دنگی و نگاهش به موضوعات مرتبط با زنان پرداخته‌است. **همه داستان‌های ساعت دنگی درباره زنان است، چه شد که به این موضوع پرداختید؟**

این مجموعه ۹ ریزلوی دربارہ زن و زمان و زمانه است. زن ایرانی و گونه‌های مختلفی از او را در این اثر می‌بینید. زن ایرانی برای من مهم است و تلاطم بر این است روایت‌های متفاوتی از تقدیر زنان سرزمینم بدهم، شاید تقدیر برخی‌ها تکراری است اما سعی کرده‌ام شیوه روایت نو باشد. موضوع زن از علاقه‌مندی‌های من و بقیه کار‌ها هم روایت زنان سرزمین‌های است. رویکرد سه‌گانه بودن هم کدی است

برای اینکه زنانگی بیشتری را داشته باشد. زنان امروزی، زن در تاریخ و اسطوره، زن سیاست، زن قربانی، زنی که اسلحه دست می‌گیرد و زنی که تمام قد خود را تسلیم جامعه می‌کند، همه در داستان‌هایم هستند و سعی کرده‌ام آنها را در زمانه‌های مختلف روایت کنم.

برای این به موضوع زنان پرداختید که حساسیت رویش زیاد است و شهرت به همراهی آورد یا واقعا دغدغه‌اشدید؟

هیاهو اگر بود تا به حال نوشتن درباره دنیای زنان را کنار گذاشته بودم. وقتی در بیشتر کارها زنان محورند، یعنی دغدغه‌مندم و نه زنانه‌دارند که در آفرینش به آنها کمک می‌کند و هم‌گامی کنم این بعد در من قوی است. به واسطه اینکه زنی مرا به دنیا آورده، زنی دارم که عشق من است و دو دختر دارم که ادامه‌م هستند. در ضمن این نکته هم دور از نظر نیست که معتمدن زنان چه در تاریخ و چه در

بازنمایی اسطوره زن در آب یکی از مظاهر زنانگی است. میترالها آب، زنانه‌است؛ اسطوره‌های ایرانی که جهان را درنوریده‌است، پس یکی از مظاهر آب همین زنانگی است واین الهه در دنیا تأثیر زیادی هم در خلق هنر داشته‌است. نکته دیگر هم این است که در طول تاریخ همیشه دغدغه و بحران آب داشته‌ایم و جزو کشور‌های کم‌بارانیم و پیوند زن و آب خودش را در طول سال‌ها در تاریخ و ادبیات نشان می‌دهد.

به نوعی این یادآوری و ارجاع به افسانه‌های قدیمی در ادبیات است؟

در کار‌های من افسانه‌ها و اساطیر و آیین‌ها حضور پررنگی دارند و دغدغه دارم آنچه زیبایی در گذشته داشته‌ایم، در داستان‌ها مرور شوند. از مسائلی مدد بگیریم که بن‌دار و عمیق باشند. عمق داستان‌های اساطیری آیینی کمک می‌کنند مخاطب امروز احساس بی‌هویتی نکند. در این داستان‌ها به رگه‌هایی از هویت به شکل نامحوس پرداخته‌ام تا به ایرانی بودن و انسان ایرانی بودن غیرمحسوس اشاره کنم.

اغلب داستان‌های کتاب در فضای دهه‌های گذشته می‌گذرد، علاقه‌ای به مسائل روز زنان نداشته‌اید؟

اثر را سال ۹۳ نوشته و به مسائل روز هم پرداخته‌ام، مانند اتفاقاتی که در سوریه و عراق سر ماجرای داعش برای زنان می‌افتاد؛ اینکه زنان خودخواسته به جهاد نکاح می‌رفتند و این است که می‌گویم زنان خودشان انتخاب می‌کنند. داستانی دارم درباره زن بازیگر نمایشی که در تئاتر شهر کار می‌کند. احضار روح نیز از مباحث و علاقه‌مندی‌های روز زنان است که سوژه یکی از داستان‌هاست. ماجرای قصه اول را هم متأسفانه در همین سال‌ها دیده‌ایم و قصه روز محسوب می‌شود؛ مسئله‌ای است که دلیل تعصب و درست در نگردن از جایگاه زن، چه از طریق مردان و چه زنان رخ می‌دهد.

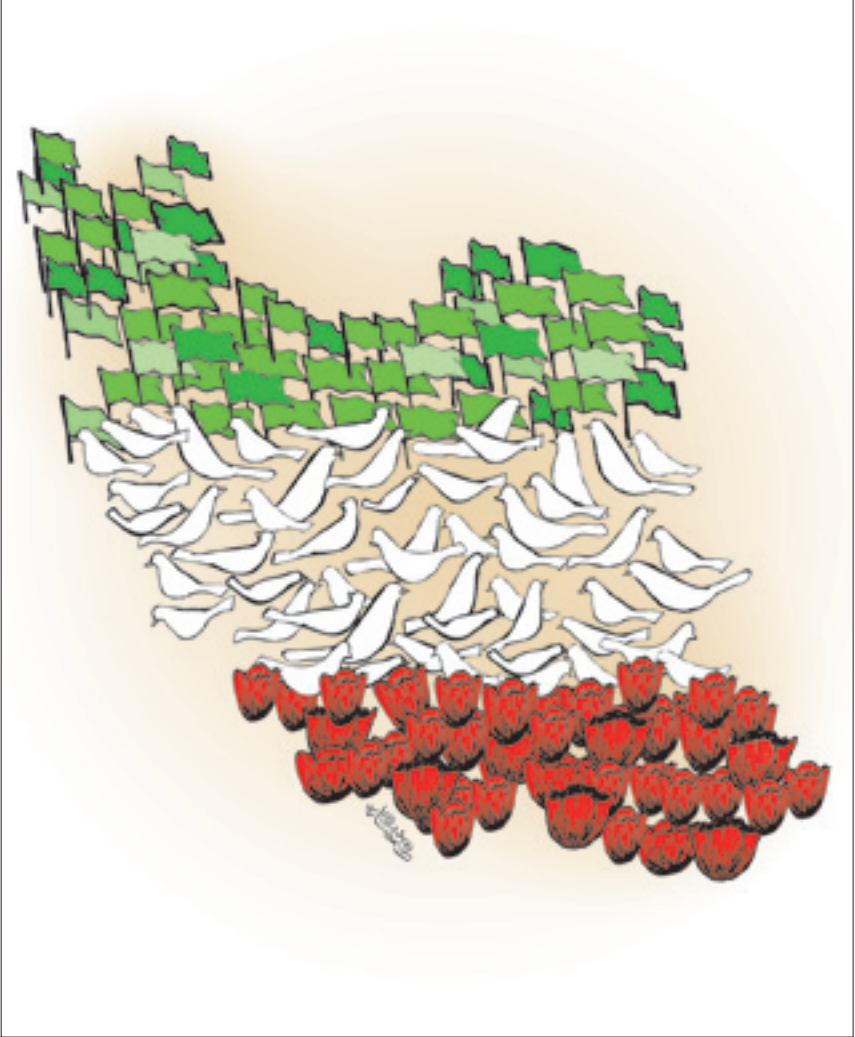
چرا اینقدر نقش زن‌ها را پررنگ می‌بینید؟

به واسطه این است که مردها هر آنچه بار می‌آیند از دامن زن‌هاست. **به نظر می‌رسد در داستان‌ها به نقش اجتماع در شکل‌گیری شخصیت زن و کارکرد‌های وی کم توجهی شده‌است، چرا؟**

پذیرفتن کارکردی که اجتماع دستور می‌دهد به اختیار زنان است، به همین دلیل است که در داستان اول هیچ‌اکنی از مردان نگذاشته‌ام که تصمیم‌گیرنده و عمل‌کننده باشند، چون اگر ضربه‌ای خورده‌ایم، ضربه از جانب زنان است و این تفکر کشتن به دلیل مسئله ناموسی از جانب مادر مطرح می‌شود و او باعث می‌شود این اتفاق می‌گیریم هم مثل زنان در داستان‌ها هستند و ما هم‌گامی کنم این بعد در من قوی است. به واسطه اینکه زنی مرا به دنیا آورده، زنی دارم که عشق من است و دو دختر دارم که ادامه‌م هستند. در ضمن این نکته هم دور از نظر نیست که معتمدن زنان چه در تاریخ و چه در

چرا در داستان‌ها از عنصر آب مثل کوزه آب، چاه و منطقه کویری که ما را یاد بی‌آبی می‌اندازد، زیاد استفاده کرده‌اید؟

■ **نما | احسین کشنگار**



■ **نقد فیلم**

ویژه چهلمین جشنواره فیلم فجر

یک «علفزار» شلوغ و از دست رفته

«علفزار» در روند داستانی به شدت الکن مانده است و سوییш را نمی‌داند و فیلمسازش سعی داشته اثری شلوغ بسازد که حرفه‌های فیلمنامه‌اش احساس نشود

همان ۲۰دقیقه اول برای مخاطب رو می‌شود و دیگر اتفاقات فیلم مثل وجود آن زن و مرد معتاد که برای شناسنامه به بازپرس مراجعه می‌کنند برای فیلم اضافه است، یعنی هیچ منطق روایی در آن احساس نمی‌شود و اینکه آن زن (ستاره پسیانی) تلاش می‌کند رابطه نامشروع را از شوهرش پنهان کند، وقت فیلم را گرفته‌است، بهتر می‌بود مخاطب تا لحظه آخر یعنی تا ساکنسی که بازپرس ماجرای رابطه نامشروع خواهر را به



پردازش ساده‌انگارانه‌ای جلو رفته و انگار موضوع یا هسته مرکزی برای کارگردان کاراکتر بازپرس (پژمان جمشیدی) بوده‌است نه موضوع ملتشیب. این‌گونه به نظر می‌رسد که کلام دانسی در وهله اول جهت‌گرایانه است. قهرمان‌سازی بوده و تلاش کرده‌است بازپرس خلق کند و در ادامه به یک موضوع اجتماعی بپردازد؛ اما راهش به شدت اشتباه بوده‌است. قصه‌ای که در علفزار روایت می‌شود، انگار چند پهلو است و گستردگی جهان فیلم با آدم‌های متعدددش که هیچ کدام حتی بازپرس به شخصیت نمی‌رسند، فضای به وجود آمده را تبدیل به تکرار مکررات کرده‌است، یعنی فضای فیلم شباhti به آثاری از سینمای ایران دارد که چندین سال است مرسوم شده، ژانر فریاد و دعوا و عریه‌کشی یا از طرفی دیگر ژانر قهرمان‌سازی و محوریت اخلاقی گرای ا زگانی، یعنی بازپرس علفزار با هیچ شناخت کاملی از او می‌خواهد قهرمانی اخلاقی باشد و دستور مافوق صلحت‌طلبش را رد می‌کند و با قانون جلو می‌رود، این اخلاق گرای مرسوم، هیچ کنش گرای برای شناخت نگ می‌تواند داشته باشد چراکه کاراکتر بازپرس به شدت الکن در هواس‌ت.

اصلیت فیلم در خرده‌پرتگ‌ها مخفی شده‌است؛ خرده‌پرتگ‌هایی که می‌توانست طور دیگری روایت شود؛ اما فیلمساز ترجیح داده از عنصر تعلیق استفاده نکند. اتفاق علفزار، فیلمی است که می‌توانست با یک تعلیق مخاطبش را غافلگیر کند اما در شرایط کنونی همه چیز پیشرفت داشته باشند.

■ **رویداد**

به یاد نویسنده‌ای که متواضع و مهربان بود

در گذشت جهانگیر خسروشاهی، داور جشنواره عمار



خسروشاهی را در میانه رفاقت و کار و فرهنگ، از بسیاری دیگر برحسنته می‌کند و به ما نشان می‌دهد.

سابقه او در حوزه هنری و مجله سوره جناب سیدمرتضی آوینی، میدان‌های ادبیات و هنر و رسانه، جهاد سازندگی و روایت فتح، دوری در جشنواره‌های مختلف و کتاب‌ها و داستان‌ها و مقاله‌های متنوع و همراهی با جوان‌های جشنواره فیلم عمار، بخشی از کارهای اوست که در حاشیه ایمان و بندگی این آدم بی‌ادعا و پرمحتوا، به چشم ما آمده و دل ما را برای دوری از دیداری دوباره با صاحب آن لیخند دوستانه و از ته قلب خواهد فشر.

درگذشت جهانگیر خسروشاهی مهربان و دوست‌داشتنی را به آنها که او را می‌شناسند و به آنها که از شناختن او محروم بوده‌اند، تسلیت می‌گوییم.

الهی که در رضوان حق(جل و علی) و بر سفره کریمانه امیرالمؤمنین(ع) مهمان و مستقر باشد.

فعال حوزه ادبیات و داستان حوزه هنری و همکار مجله سوره سیدمرتضی آوینی و میدان‌های ادبیات و هنر و رسانه، جهاد سازندگی و روایت فتح و جشنواره عمار دار فانی را وداع گفت. جهانگیر خسروشاهی، بی‌سروصدا و بی‌هیاهو، بیش از آنکه پا به پیروی بگذارد، از جهان رفت و در جوار رحمت خدا جا گرفته‌است.

بر محرم جهانگیر خسروشاهی انسان مهربان و جدی، محقق و پژوهشگر اهل ایمان، نویسنده با مطالعه و دقیق که در مجلس اول، نظر شما به تواضع و صبوری‌اش جلب می‌شد، حالا در میان ما نیست. مسیری ۶۰ساله زندگی را به آخر رسانده و حسرت دیدن دوباره و همنشینی و معاشرت با خود را در دل ما گذاشته‌است.

انسان مؤمن و غیور که چشم‌هایش بر تلخی‌ها و ناامردی‌ها، بر ترکیب حرفه‌ای دوغ و دوشاب در زمانه ما و بر زرنگی‌های کودکانه رایج روزگار بسته نبود، اما نجابت و حیاء و اندیشه‌مندی باوقارش، بیش از هر چیزی بر رفتار و گفتار و کارها و نوشته‌هایش غلبه داشت.

در دوره‌ای که تظاهر به کارهای نکرده و تفاجر به سواد نداشته، سکه رایج بازار است، کسی مثل جهانگیر خسروشاهی که بدون شلوغی و تزاحم و دروغ به کار و بار خودش مشغول بود، کمیابی کمبایی است که هر روز در اطراف‌مان کمتر خواهیم یافت.

آمیژه غیرت و جدیت با تواضع و صبر و ادب، جناب